

● منصور حکمت و حقوق کودک هما ارجمند

● کودک آزاری یک معضل جدی اجتماعی اسماعیل مولودی

● جلو مدارس مذهبی را بگیریم ویدا بهروزی

● اول ماه مه را باید به روز ... کودکان مقدمند، صفحه ۷



ادا کنیم. من در اینجا قصد ارائه یک بحث تئوریک ندارم ولی دوست دارم که به یک جنبه مهم از کار منصور حکمت تاکید داشته باشم که برای من بعنوان یک کمونیست و فعال حقوق کودکان

اهمیت ویژه داشته و به من امکان داد تا با روشن بینی و رادیکالیسم در این عرصه نقش ایفا کنم.

ادامه صفحه ۲

## منصور حکمت و حقوق کودک هما ارجمند

۱۵ آوریل ۲۰۰۶

متن سخنرانی در کنگره منصور حکمت ۱۵ تا ۱۶ آوریل ۲۰۰۶

با سلامهای گرم به همه حاضرین در این کنگره به یاد ماندنی و با تشکر از بنیاد منصور حکمت و بطور مشخص رفیق آذر ماجدی بعنوان مبتکر این کنگره و سازماندهنده آن که به من هم فرصتی داد که با ارایه مطالبی درباره حقوق کودک در نزد منصور حکمت، بخش کوچکی از دینم را به این آموزگار بزرگ و متفکر برجسته کمونیسم معاصر

### دبیر کودکان مقدمند هما ارجمند

همکاران هفته نامه کریم شاه محمدی سر دبیر: فرزاد ادیبی

00460704917494

مسئولین مرکز پخش: شهاب خباززاده سروش ابراهیمی shahlabaz-zade@aol.com soroshebi@yahoo.com

### نشریه

کودکان مقدمند پیام آور نیایبی انسانی برای کودکان ماست. نشریه را وسیعاً پخش کنید. برای نشریه اخبار، مقالات و پیشنهادات خود را ارسال کنید.



جلوی مدارس مذهبی و تصویب قوانین شریعه را در سوئد بگیریم!

ویدا بهروز

مدارس خصوصی مذهبی و قانون شریعه بحث داغ هفته های اخیر در سوئد می باشد. محمود الدبه رئیس اتحادیه مسلمانان در نامه Mahmoud Aldebe خود به مجلس سوئد خواستار تصویب قوانین شریعه برای مسلمانان در سوئد شد. او در این نامه از جمله مدعی شد تدریس امام در مدارس باید آزاد باشد و همچنین خواهان آن شد که شروط ذکر شده در نامه خود جزء برنامه سیاسی سوئد بشود. او تهدید می کند که مخالفت دولت سوئد با این خواستها باعث تحریم انتخابات مسلمانان در سال آینده می گردد. گولان مسئول اتحاد گروههای مختلف Gulan Avic آوسی جامعه و نماینده مجلس سوئد اظهار می کند "که قصد اتحادیه مسلمانان به دست گرفتن کنترل مذهبی کودکان از سنین پائین در مدارس می باشد.

ادامه در صفحه ۶



کودک آزاری یک معضل جدی اجتماعی است!

6 آوریل 2006 اسماعیل مولودی

مسئله حقوق کودکان جزو مسائل مهمی در زندگی اجتماعی جامعه بشری است. بهمین خاطر و بدلیل وجود افکار عقب مانده در جوامع و نیز بدلیل پایمال شدن حقوق کودکان در جوامع مختلف. جامعه بشری تصمیم گرفته طبق یک قرارداد سراسری جامعه را ملزم به رعایت حقوق کودکان کند. یعنی کنوانسیون حقوق کودک یک دستاورد و پیشرفت جامعه بشری برای دفاع از حرمت انسانی کودکان است. زیرا کودکان باید در محیطی سالم و با امنیت بالا بزرگ شوند تا بتوانند در آینده انسانهای بالغ و سالم در جامعه باشند. کنوانسیون حقوق کودک بر حقوق انسانی کودکان تاکید میکند صرفنظر از تعلقات نژادی، فرهنگی، قومی، اقتصادی و جنسیت آنها. بنابراین حقوق انسانی انسانها مرز و محدودیت خاصی ندارد و آدم هر کجا باشند باید حقتشان رعایت شود و در یک شرایط انسانی زندگی کنند.

ادامه در صفحه ۴

## زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

ادامه صفحه ۱

### منصور حکمت و حقوق کودک .....

مارکس درباره مسئله زنان در کتاب خانواده مقدس می گوید "شاخص آزادی و پیشرفت هر جامعه، رهایی و پیشرفت زنان در آن جامعه است." در مورد مسئله کودکان منصور حکمت نیز با چنین دقتی و با چنین ظرافتی می گوید " رفتار هر جامعه با کودکان محک ارزیابی درجه انسانی بودن و آزاد بودن آن جامعه است." تاکید بر چنین ملاکی در مورد آزاد بودن يك جامعه تنها از کسانی برمیآید که نه تنها به رهایی انسان و جامعه عشق میورزند و انسان و خوشبختی آن محور تفکر و عمل آنها را تشکیل میدهد بلکه بطور مشخص تصویرگر کسی است که جوامع در دنیای معاصر را می شناسد و معیار اندازه گیری درجه انسانی بودن يك جامعه را در حل آن مبیند. کاری که تا کنون کسی و یا گروهی از آن زاویه بدان تاکید نکرده است. بارها شنیده اید و یا خوانده اید که منصور حکمت اومانيسم را به سوسیالیسم برگردانده است، هم از نظر در مرکز قرار دادن سعادت بشریت و هم نقش تعیین کننده او برای بدست گرفتن سرنوشت خویش. این دکترین را

بطور برجسته میتوان به توجه همجانبه ای که منصور حکمت به امر کودک و حقوق آن داشته است خیلی زمینتر و واقعیتر نشان داد و من در اینجا سعی میکنم به سرحلقه های این ادعا پردازم:

### حقوق کودک و حزب سیاسی:

دفاع از کودکان و حقوق انسانی آنان و برخورداری آنان از يك زندگی بهتر و دور از رنج و عذاب با شکل گیری سرمایه داری و جامعه مدرن و در عین حال متوحش نسبت به انسانهای کارکن و محروم يك جز اساسی فعالیت و مبارزه بخشهای از جامعه و گروههای اجتماعی و سیاسی بوده است. این را حتی ما در ادبیات و در شاهکارهای نویسندگانی چون چارلز دیکنز و ویکتور هوگو شاهد بوده ایم. در شرایط کنونی وجود هزاران نهاد و سازمان مدافع حقوق کودک در مقیاس جهانی چه آنهایی که مستقل عمل میکنند و یا وابسته به دولتها هستند همچنین گواه آن است که مسئله کودک يك مسئله اساسی و در عین حال حل نشده است. اما آنچه که ما شاهد آن هستیم اساسا تلاشی است که خود را در بیطرفی سیاسی و در پوشش نهادها و سازمانهایی غیر سیاسی و ان جی اوها پیش میبرد. منصور حکمت در این زمینه نیز همچون

هر عرصه دیگری که بدان دستبرده پیشرو است و يك اپروچ approach جدیدی دارد. تبدیل کردن مسئله کودک و رهایی او به مسئله يك حزب سیاسی اگر در تاریخ اولین بار نبوده باشد جز آن نادر تلاشی است که او مبتکرش بوده است. و این صرفا در تاکید بر حقوق کودکان در برنامه حزب خلاصه نمیشود بلکه به سازمان دادن نهادی که اساس فعالیت آن به مبارزه برای تامین يك زندگی مرفه و شاد برای کودکان متمرکز است نیز برمیگردد. همه میدانیم که ابتکار اول کودکان و بیانیه ای که من آن جمله معروف و زیبا را در ابتدای صحبتیم به عاریه گرفتم. " رفتار هر جامعه با کودکان محک ارزیابی درجه انسانی بودن و آزاد بودن آن جامعه است." به این معنی سرفصل جدیدی را در مبارزه برای حقوق کودکان در جنبش کارگری و کمونیستی گشوده است که به ندرت يك حزب چپ بدان توجه داشته است. امر کودک به امر مبارزه جدی يك حزب سیاسی برای رفورمهای اجتماعی گره میخورد. همانطور که رفتار جامعه با کودکان چون محکی خوانده میشود برای درجه انسانی بودن آن جامعه، تبدیل شدن امر کودکان برای يك حزب سیاسی محکی میشود برای

درجه جدی بودن آن حزب برای دگرگون کردن جامعه و رهایی آن. تبدیل کردن امر خوشبختی کودک به امر يك حزب سیاسی و بطور مشخص حزب کمونیست، نشان از اهمیت و ارزش این مسئله نزد منصور حکمت دارد.

### قائل شدن هویت مستقل برای کودکان:

در دنیایی که هر روزه میلیونها کودک از گرسنگی، بردگی و خشونت های جسمی و روحی رنج میبرند. در دنیایی که کودکان را در مقیاس میلیونی در تجارت سیاه جنسی مورد تجاوز قرار میدهند و یا به قتل میرسانند و اعضای بدن آنان را میفروشند. در دنیای که در مقیاس هزاران نفره این موجودات کوچک و عزیز را در جنگهای شوم ملی و قومی و مذهبی به سلاخی میکشند و یا بعنوان بردگان مزدی پرپر میکنند و یا در چنبره کریه مذهب روحشان را میکشکانند. در چنین دنیایی منصور حکمت نه تنها امر کودک و حقوق کودک و سعادت آن را يك موضوع اساسی پراتیک اجتماعی و سیاسی مبیند بلکه برای خود کودک هویت مستقلی را تعریف میکند که در پیشرو ترین برنامه ها و مییشین استیتمنتها mission statements نمونه آن را نخواهید دید. بطور مشخص به این حکم توجه کنید: " کودک ملك شخصی

کسی نیست"، در مورد این تز باید گفت در دنیایی که مالکیت خصوصی اساس و بنیاد کارکرد آن را تشکیل میدهد و در مورد کودک بعضا بطور غریزی فرض بر این است که جز مایملک پدر و مادر و سرپرستان است بنحوی که هر کاری میتوانند با کودکان بکنند و یا هر بلای میتوانند بر سر آنان بیاورند، این حکم را بگذارید تا خلاف جریان بودن و پیشرو بودن و زیرو رو کننده بودن آن را حس کنید.

این بیش از هزاران صفحه بحث و نوشته تئوریک در خود، بار فلسفی، سیاسی و حقوقی و حتی تربیتی دارد و این در شرایطی است که دنیای متوحش سود و ثروت حتی حق حیات را از کودکان در حال سلب کردن است. مکمله این تز اساسی شعار "تضمین رفاه و سعادت هر کودک مستقل از وضعیت خانوادگی با جامعه است" میباشد.

این دو در کنار هم از يك طرف با این تلقی که کودک را کالا و ملك مبیند در میافتد و از طرف دیگر امر صیانت کودک را به جامعه و دولت میسپارد. و یا به این توجه کنید: " منفعت کودکان بر هر ملاحظه و منفعت ملی، قومی، مذهبی، نژادی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک مقدم است."

ادامه در صفحه ۳

## دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

ادامه صفحه ۲

## منصور حکمت و حقوق کودک

آیا میتوانی تیز تر و یا بقول انگلیسیها sharper و concise تر از این برای کودکان هویت مستقل و برای تامین حقوق آنان بی قید و شرط تر از این حکمی داد. شما را به کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل که بورژوازی جهانی و آن هم متمدترینشان پزیرا میدهد که تازه بزور تلاشهای بشریت مترقی و انساندوست به آن تحمیل شده است، مراجعه میدهیم. "حکومت‌های عضو پیمان برای هر کودکی که در قلمرو آنهاست بدون تبعیض و یا فرق گذاری و بدور از هرگونه وابستگی نژادی، رنگ و پوست، منشا اجتماعی و قومی و یا ملی، میزان دارایی، معلولیت، وضعیت سرپرست و یا والدین و هر موقعیت دیگری که کودک در آن است، اجرای حقوق مندرج در این پیمان نامه را تضمین میکند." در اولی صحبت از مقدم بودن منفعت کودک است در دومی تاکید بر عدم تبعیض و یا فرق گذاری است جدا از این که هیچ مرزبندی با منفعت و ملاحظه مذهبی ندارد. تازه در بند چهارم همین کنوانسیون "برای تحقق مفاد این عهد نامه با توجه به حقوق و اوضاع اجتماعی، سیاسی و

فرهنگی" توجه داده شده است. امیدوارم این مقایسه کمک کرده باشد تا عمق حساسیتی که منصور حکمت در مورد تامین حقوق انسانی کودک بخرج میداد را متوجه شویم

## مذهب و حقوق کودک:

یک سرزمین وسیع و در عین حال کمتر دست خورده، میدان مقابله با دست اندازی مذهب به کودکان و شکوفایی آنان است. در این میدان منصور حکمت کاشف و رزمنده است. مذهب بخصوص در این چند دهه گذشته چه با تهاجم عمومی جریان راست و عنان گسیخته بورژوازی در غرب و چه با دست یابی اسلام سیاسی به قدرت در خاورمیانه، دنیای سیاه و تلخی را برای بشریت میسازد و به طبع کودکان بعنوان ضعیفتری و بی دفاعترین بخش جامعه بیشترین گزند را متحمل میشوند. از تبدیل شدن به سپاه ارتش خدا در اوگانادا تا تبدیل شدن به حاملان بمبهای انتحاری در جنگ قدرت اسلام سیاسی با غرب، تا قربانی تجاوز جنسی شدن تحت عنوان ازدواج در کشورهای اسلام زده، تا محرومیت کشیدن از فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی بخاطر سلطه مذهب و قیود مذهبی، تا تبدیل شدن به ارتش تنفر مذهبی و متحمل شدن بیشترین خشونت‌های جسمی و روحی در خانواده های مذهبی همه و همه آن

چیزی است که به کودکان در مقیاس میلیونی توسط صنعت پلیدی چون دستگاه مذهب که از بیشترین اغماض نیز برخوردار میشود، میرود. منصور حکمت در این میان چون ناجی شجاعی پرچم کودکان مذهب ندارند را بلند میکند. هنوز وقتی در هر اجتماع و کنفرانسی این کلمه قاصر و با بار سیاسی و اجتماعی عمیق را مطرح میکنم در عین غلبه حیرت بر بخشی از شنوندگان که حکایت از یک واکنش منفی دارد، خلع سلاح شدن و قاصر بودن از هرگونه استدلال در نقد آن را در میان آنان نیز شاهد هستم. این شاه بیت من در دفاع از کودکان در مقابله با بیرحمی مذهب است. اگر میخواهید دست مذهب را از دخالتگری در زندگی کودکان کوتاه کنید، اگر میخواهید آداب و رسوم ارتجاعی و عقب مانده و مذهبی دنیای زشتی را برای کودکان نیافریند، اگر میخواهید انسان را با هویت مذهبی آن تعریف نکنند، اگر میخواهید بذر تنفر و جدا سازی در بین مردم کاشته نشود و تا حدودی ریشه های جنگهای مذهبی بخشکد این آن پرچمی است که باید برافراشت. کودکان مذهب ندارند. اهمیت این شعار صد چندان میشود زمانی که متوجه میشویم که حتی در کشورهای مذهب بیش از دو قرن است که توسط انقلابات و جنبشهای مترقی

به کنار زده شده نسبت به تجاوزگری مذهب و بطور مشخص اسلام به کودکان هیچ اعتراض گسترده ای نیز شکل نمیگیرد. چرا که فرض را بر این گذاشته اند که کودکان زائده مذهب پدران و مادرانشان هستند. این توصیه ای من است به همه مدافعین جدایی مذهب از آموزش و پرورش، مخالفین پوششهای اسلامی، جداسازی کودکان دختر و پسر و حتی دولتهایی که مدعی اند میخواهند با اسلام سیاسی مبارزه کنند که این شعار را اساس کار خود قرار دهند. این شعارهمچنین اساس یک بخش بسیار مهم و ویژه، تحت عنوان مقابله با دخالت مذهب در زندگی کودکان، در بیانیه حقوق کودک نهاد کودکان مقدمند منظور شده است. کاری که ما به همه تشکلهای مدافع حقوق کودک نیز توصیه میکنیم که چنین کنند.

## جایگاه ویژه مبارزه برای

## حقوق دختران خرد سال:

حتما مقاله حجاب گیت را همه شما خوانده اید. منصور حکمت در این نوشته به صراحت حجاب کودکان را کودک آزاری میخواند و خواهان دخالت قانونی در ممنوعیت آن است. او در مورد دختران خردسال میگوید "اینها فقط اموال اولیایشان نیستند. شهروندان محترم و صاحب حق جامعه اند و جامعه در قبال حفظ حقوق آنها مسئول است." نوشته ای که جز

آثار کلاسیکها مارکسیسم باید قلمدادش کرد. این نوشته حکمت ضمن آن که یک ادعای قدرتمند علیه مذهب، یک دفاعیه پر شور و پرحاشیه در دفاع از کودکان است، نشان از حساسیت ویژه او در قبال زنان و بطور مشخص کودکان دختر دارد. بر مبنای رهنمود اوست که بیانیه ما، کودکان مقدمند، فصل ویژه ای را به طرح مطالبات این بخش از کودکان اختصاص داده است. به واقع یک نهاد و سازمان جدی مدافع حقوق کودکان نمیتواند آنچه که بر دختران کودک میگذرد را بطور برجسته در نظر بگیرد و موضوع مبارزه خود قرار ندهد. تبعیضی که بر کودکان مونث چه در سطح خانواده ها و چه در سطح جامعه میرود را نمیتوان تنها بر حول مطالبات عمومی برای کودکان پوشاند. چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای که مذهب و فرهنگهای عقب مانده همچنان در سوخت و ساز جامعه دست دارند سرکوب آمل و آرزوهای زنان و دختران چون یک پدیده زشت جریان دارد.

از این رو مقابله با آن، عرصه ویژه ای است که نگاه تیز بین منصور حکمت بر آن احاطه دارد. نمیتوان در دنیایی که دختران خردسال را تحت عنوان

ادامه در صفحه ۴

# مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

ادامه صفحه ۳

منصور حکمت و حقوق  
کودک .....

ازدواج مورد تجاوز جنسی قرار می‌دهند و یا حجاب بر سرشان میکنند و از این رو مورد تحقیر قرار می‌دهند و یا از ورزش، تفریح و فعالیت‌های هنری و اجتماعی محروم‌شان می‌سازند، یا به صرف دختر بودن کار خانگی را به آنان تحمیل میکنند و یا در سنین جوانی از هر نوع رابطه آزاد با پسران جلو می‌گیرند و در صورت تخطی مورد خشونت تا سر حد مرگ قرار می‌دهند و یا در محیط‌های آموزشی مورد تحقیر و تعدی قرار می‌دهند را تحت عناوینی بسیار عمومی نادیده گرفت و در عین حال مدعی شد که passionately و ماکزیمالیستی برای حقوق کودکان مبارزه میکنند. کاری که بخش اعظم گروها و تشکلهای مدافع حقوق کودک میکنند. اگر به کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل توجه کنید هیچ جزئی را در آن نمی‌بینید که مبارزه با مذهب و یا حقوق کودکان دختر را گنجانده باشد.

من و همه‌انهایی که در این حزب و در نهاد کودکان مقدمند مبارزه میکنند این يك امتیاز بزرگی بود که از شخصیتی چون منصور حکمت برخوردار بودیم بنحوی که امروز میتوانیم افتخار کنیم که يك مانیفست

بسیار رادیکال، ماکزیمال و مدرن و انسانی پرچم مبارزه ما در دفاع از کودکان میباشد.

در مورد حقوق کودک در نزد منصور حکمت میتوان بسیار گفت. میتوان در این مورد نوشت که او چگونه جامعه را مسئول حراست از جان و روح کودک میداند بدون آنکه استقلال و آزادی کودک مورد تعرض قرار دهد و یا حرمت او را زیرپا گذارد. یا درباره جایگاه مبارزه با مذهب در دفاع از حقوق کودک از نظر او نوشت و یا حتی دفاع او از حق حیات که شامل حق حیات کودک در دوران بارداری مادر نیز میشود، نوشت. میتوان در مورد حقوق کودکان در سنین ترانسیشنال transitional، یعنی دورانی که کودکان در حال بدل شدن به يك بزرگسال هستند بحث کرد. دورانی که در عین حال خانواده و جامعه و دولت موظف است تمام تلاش خود را جهت ممانعت از هرگونه گزند به آنان بکار گیرد و در عین حال درجات بالایی از دخالت گری و مسئولیت پذیری آنان در امور جامعه را فراهم کند. البته ممکن است نتوان بطور مکتوب نوشته‌هایی در هر يك از این موارد از منصور حکمت یافت ولی میتوان از آنچه که به جای گذاشت پاسخهای روشنی را دریافت. جایگاه برجسته منصور حکمت در مبارزه برای يك زندگی

مملو از رفاه، آسایش و شکوفایی برای کودکان بر کسی پوشیده نیست بنحوی که آموزشها اوست که امروز راهنمای ما در این عرصه بسیار مهم است.

ادامه صفحه ۱

کودک آزاری يك  
معضل.....

مسئله حقوق کودکان جزو مسائل مهمی در زندگی اجتماعی جامعه بشری است. بهمین خاطر و بدلیل وجود افکار عقب مانده در جوامع و نیز بدلیل پایمال شدن حقوق کودکان در جوامع مختلف. جامعه بشری تصمیم گرفته طبق یک قرارداد سراسری جامعه را ملزم به رعایت حقوق کودکان کند. یعنی کنوانسیون حقوق کودک یک دستاورد و پیشرفت جامعه بشری برای دفاع از حرمت انسانی کودکان است. زیرا کودکان باید در محیطی سالم و با امنیت بالا بزرگ شوند تا بتوانند در آینده انسانهای بالغ و سالم در جامعه باشند. کنوانسیون حقوق کودک بر حقوق انسانی کودکان تاکید میکند صرفنظر از تعلقات نژادی، فرهنگی، قومی، اقتصادی و جنسیت آنها. بنابراین حقوق انسانی انسانها مرز و محدودیت خاصی ندارد و آدم هر کجا باشند باید حقتشان رعایت شود و در یک شرایط انسانی زندگی کنند.

اما در همه جا این درک و برخورد یکسان نیست. مثلا این روزها در میان اخبار دیده میشود که تجاوز بحقوق کودکان و کتک زدن کودکان و نیز انداختن

آنها در مناسبات وسئو استفاده از جسم و روح کودکان به یک معضل انسانی در جامعه ایران تبدیل شده است. مثلا در یک بیمارستان در مشهد از شکم یک کودک 13 ساله دهها گرم مواد مخدر در آورده اند. یا پدري چهارتا بچه اش، همسرش و در آخر خود را کشته است. در سال گذشته فقط در شهر تهران هزار مورد آزار و شکنجه کودکان گزارش شده است. اگر به آمار و اخبار نگاه کنیم روزی نیست که صدها خیر ناگوار از زندگی کودکان و خانواده هایشان گزارش نشود. کتک زدن کودکان از طرف افراد خانواده، پدر مادر برادران وخواهران بزرگتر و حتی اقوام یک مسئله جدی است که امروز در جامعه ایران به ایجاد یک فضای رعب و وحشت برای کودکان تبدیل شده. وحشت از کتک خوردن استرس و افسردگی را در کودکان بالا برده و از طرف دیگر بدلیل نداشتن یک محیط آرام خانوادگی دهها هزار کودک دختر و پسر از خانواده فرار میکنند. در خیابان طعمه درندگانی میگردند که حتی قطعات بدنشان را در بازار میفروشند. آمار نشان میدهد که سالانه هزاران کودک ربوده میشوند و هیچوقت خانواده شان آنها را باز نمی یابند. مضاف براینها کودکانی که به خانه های امن و یا مراکز نگهداری پناه میبرند یا فرستاده میشوند مورد اذیت و شکنجه قرار میگیرند. مدیر کل انجمن حمایت از کودکان در ایران تایید

میکند که خشونت و کودک آزاری در مراکز نگهداری کودکان بدون سرپرست به یک نرم جدی تبدیل شده است. خانم مسعوده مشایخ که مدیر کل این مراکز است پنهان نمیکند که تشکلهای تحت مسئولیت ایشان هیچگونه حرمتی برای کودکان رعایت نمیکند. این واقعا شرم آور و وحشتناک است. این نشان میدهد که دم و دستگاه حکومتی در ایران تنها بزرگسالان را شکنجه و زندان نمیکند بلکه با آزار و رسمیت دادن به خشونت علیه کودکان در جامعه در صدد نسل کشی و بار آوردن انسانهای بیمار و روانی در جامعه است. مسئله خشونت تنها یک نوع آزار فیزیکی نیست بلکه خشونت روحیه و روان کودک را داغان و بجای یک انسان سالم از نظر روحی یک بیمار عقده ای تحویل جامعه می‌دهند.

بعضی از افراد و حتی والدین کتک زدن و کودک آزاری را بعنوان تربیت کودک اسم میبرند. مثلا مادری میگفت وقتی بچه آدم را دارد دیوانه میکند، آدم مجبور میشود بچه را ادب کند. این نوع توضیح نا آشنا نیست. اما این یک واقعیت درش نهفته است و آن نشان میدهد که افراد در جامعه، مسئولین اجتماعی و خانواده ها چه تصویری از تربیت بچه دارند. کتک و خشونت بازمانده از دوران بربریت بشر است و بازمانده از دورانی است که انسان با عهد بربریت وداع نکرده بود.

ادامه در صفحه ۵

## جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش

ادامه صفحه ۴

### کودک آزاری یک معضل ....

کتک و آزار کودکان نوعی روش برای به میخ کشیدن انسانها تا مطیع دستگاه و سیستم شوند. آزادی بیان معنی ندارد. اگر انتقاد کنی باید مجازات شوی. مذهب و حکومت‌های دیکتاتوری این سنت دوران بربریت را به قانون تبدیل کرده اند. مثلا مذهب میگوید کسی حق ندارد در سرنوشت خود دخالت کند چون خدا از اذل سرنوشت انسانهارا اینجور رقم زده. کودک و زن اموال مرد هستند و مرد صاحب دنیاست. با این دید و با این عریانی از خشونت و انسان آزاری دفاع کردن نشان میدهد که مذهب دشمن درجه اول آسایش انسان است.

حال اگر به بحث خود برگردم باید تاکید کنم که خشونت در هر شرایطی و در هر رابطه ای انسانی نیست و باید از آن حذر کرد. بنابراین سیستم اجتماعی و نوع حکومتی نقش جدی و درجه اول در مسئله خشونت علیه کودکان دارد. پارسال یکی از مسئولین دولتی در روزنامه ها گفت که بعضی از والدین کودکان را برای گدایی به خیابان میفرستند و میخواست بدین وسیله از بار مسئولیت خود و دولتش در این رابطه شانه خالی کنند. اما این مسئول بیشرم دولتی که اسمش آقای دکتر حسن علم الهدایی است نمیفهمد که خانواده کودک تامین اقتصادی ندارند، بیکارند و زندگیشان زیر بار فشار بیکاری و نداری

خم شده مجبورند اینجوری خود و فرزندانشان را زنده نگهدارند. آقای دکتر نمیخواهد قبول کند که مسئولین جامعه ایران زندگی کودکان و خانواده هایشان را به تباهی کشانده اند و هیچ حرمت انسانی برای آنها قائل نیستند. آقای دکتر میدانند که با جرثقیل اعدام کردن آدمها در ملا عام چه شکنجه روحی و وحشتی در جامعه بوجود میآورد. صف بیکاران در بازار کار، کارکودکان در بازار کار (80 درصد کارگران کوره های آجر پزی کودکان بین 8 تا 15 سال هستند)، هزاران کودک دستفروش، ماشین شوردر خیابانهای تهران و یا میلوها آدم دستفروش در سراسر ایران. همه و همه اسناد وجود بیکاری و بیمعیشتی افراد جامعه امروز ایرانند.

بر همین اساس است که در قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی بند یک ماده 59 مجازات عمومی اجازه میدهد که کتک زدن کودک مجاز است و این را تربیت قلم داد میکند. در این فضا و در این شرایط ترجمان قانون در جامعه چه میشود. البته در قانون نامبرد گفته شده 1- در مواقع ضرورت 2- در حد متعارف، باید کودک را کتک زد.

حال سوال اینجاست چه کسی حد متعارف را تشخیص میدهد؟ و یا کجا میتوان ضرورت کتک زدن کودک را معلوم کرد؟ سوال اینجاست چرا در جامعه ایران و در قانون اساسی اش به این روشنی حقوق کودک را زیر پا میگذارند؟ زیرا مسئولین

حکومتی خود سیستمی بکار میبرند که خشونت علیه آنها جزو آن است و با دست باز گذاشتن خانواده ها در آزار کودکان. کودکان را از بدو زندگی با خشونت و بیحقوقی آشنا میکنند. روحیه انسانیشان را پایین نگه میدارند و کودک از بدو زندگی خشونت را بعنوان یک مند زندگی در برخورد به اطرافیان و دیگران بکار میگیرد. با این روحیه و مند بزرگ میشود. بهمین خاطر است خشونت، افسردگی، تجاوز و بیحقوقی بعنوان یک نرم در جوامعی مثل ایران برسمیت شناخته میشود. در تحقیق‌هایی که روانشناسان کرده اند نشان داده شده. کودکانی که در یک محیط خشونت آمیز بزرگ شده اند کمتر حس انسانوستی و امپاتی را دارند تا کودکانی که در یک محیط دور از خشونت بزرگ شده اند. همین تحقیقات ثابت کرده که کودکانی که در محیطشان خشونت بکار رفته و یا مورد تجاوز قرار گرفته اند قدرت اقتناع و قدرت بحث کردن در مورد مسائل را کمتر دارند تا کودکانی که در یک شرایط احترام متقابل و اقتناع بزرگ شده اند. در جوامعی که کتک زدن کودک ممنوع است درجه سلامتی جسمی و روحی کودکان بالاست و انسانها برای حل مشکلات خود به بحث و اقتناع رو میآورند. اما کودکانی که در محیط خشونت آمیز بزرگ شده اند همیشه در فکر توطئه، آزار دیگران و بکار گیری خشونت و انتقام هستند. یا این نوع آدمها ترسو و

مطیع بالا هستند در حالی که به افراد ضعیف دور و بر خود اجحاف روا میدارند. پس مسئله آزار کودک و کتک زدن به کودکان یک معضل شخصی نیست بلکه یک معضل اجتماعی جدی است و در وهله اول مسئولین جامعه را باید مورد مواخذه قرار داد. بهر اندازه امنیت و حرمت انسانها در جامعه پاسداری و رعایت شود بهمان اندازه هم مسئله تربیت کودک و آموزش کودک مورد توجه قرار میگیرد. اگر به حوادث و اتفاقاتی که در دور و بر کودکان میافتد نظر بیافکنیم از یک مسئله عیان خبر میدهد. تمام اتفاقات ناگواری که در محیط و زندگی روزانه کودک اتفاق میافتد انسانهای بزرگ بوجود آورنده اش هستند. کودکان موجودات بی دفاعی هستند که حتی از عزیزانشان هم [مثل برادر و خواهر بزرگتر، پدر و حتی از مادر] آزار میبینند. این جالب است. والدینی که با هزار آرزو صاحب بچه ای میشوند خود به آزار دهندگان آنها تبدیل میشوند. این یک پدیده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است چگونه کسی حاضر میشود که جگر گوشه اش را آزار دهد. کسانی که این کار را میکنند خود قطعا از نظر روانی سالم نیستند. چرا؟ از پدری اگر بپرسید چرا بچه ات را کتک میزنید این جوابها میشوند: بچه باید تربیت داشته باشد. بچه باید رعایت کوچک و بزرگ را بکند. در بهترین حالت میگویند:

اعصابم خرد است، بیکارم و هزار بدبختی دارم اینهم هی نق میزنه. مادرش خوب تربیتش نمیکنه. بچه به پای آدم میپیچه. اینها جوابهای متداول است.

وقتی از نظر جامعه شناسی و روان اجتماعی به پدیده نگاه کنید نشان میدهد که این کودک نیست که اذیت میکند. چون اگر بعنوان یک انسان معقول به کودک نگاه کنیم. کودکان هنوز در شرایطی نیستند که با ارزیابی های انسانهای بالغ به زندگی و حتی به اطراف خود نگاه کنند. کودکان در تماس دایم با جامعه، والدین و اطرافیان خود هستند و هر روزه یک بخش از زندگی را کشف میکنند. پس عقلا نباید از کسی که همه چیز برایش نا آشناست انتظار داشت که مثل یک مرد یا زن بالغ به همه چیز نگاه کند. کودکان در رابطه تنگاتنگ با والدین، مدرسه و جامعه است که شعور و دانش خود را از زندگی کسب مینمایند. پس به همه چیز با کنجاوی و کم صبوری برخورد میکنند. اینجاست که کودکان بیشترین آموزش و مراقبت را میخواهند اگر به جوابها بالا نگاه کنید. 1 نشان میدهد که بزرگ سالان از طرز رفتار با کودک و مسئله برخورد با دنیای کودک کاملا نا آشنا و در حد صفر است. تربیت با آزار و اذیت بوحود نمیآید. تربیت و مسائل تربیتی یکی از مسئولیتهایی است

ادامه در صفحه ۶

## کودک ملک شخصی کسی نیست!

### کودکان مقدمند

ادامه صفحه ۵  
کودک آزاری یک  
معضل .....

که برعهده جامعه و مسئولین جامعه و والدین است. برای این دولتها باید بطور جدی برای بالا بردن فهم جامعه و آموزش بزرگسالان در برخورد به کودکان کلاسهای آموزشی و امکانات آموزشی برقرارکنند.

در جوامعی که حرمت و ارزشهای انسانی بالاست رعایت حقوق کودک در درجه بالایی قرار دارد. زیرا دانش و شعور برخورد به انسان و کودکان بالاست و در جامعه مکانها و کلاسهای آموزشی فراوانی وجود دارد. کنوانسیون حقوق کودک در بندهای 19 و 24 بر این تاکید دارد که حکومتها باید امنیت و سلامتی روحی و جسمی کودکان را رعایت کنند و ملزم هستند که امکانات لازم برای آموزش، بهداشت و شکوفایی کودکان بکار گیرند. در یک کلام این حکومتها هستند که مسئول مستقیم حمایت از سلامتی جسمی، روحی و اجتماعی و اقتصادی کودکان هستند.

در جامعه مسئولین اجتماعی و دست اندرکاران حکومتی بیشترین مسئولیت را در قبال رعایت حقوق افراد جامعه و بالطبع کودکان در جامعه را دارند. بهر اندازه آزادی و تفاهم و احترام به حقوق افراد در جامعه وجود دارد بهمان اندازه حقوق فردی احاد جامعه رعایت میشود. از نظر روانشناسی اجتماعی و از دیدگاه

متخصصان روانی کودکان شکنجه کودکان تنها کتک زدن و آزار جسمی و فیزیکی نیست بلکه توهین و تحقیر کودک بمراتب تأثیرات مخرب و جدی بر روان کودک میگذارد. در جوامعی که خشونت جزو نرم جامعه است. در جوامعی که امکانات آموزشی برای تربیت و پرورش نیست. در جوامعی که تأمینهای اجتماعی و اقتصادی وجود ندارد قطعا نظر انسانها به پدیده حقوق انسانی خیلی پایین و متفاوت با جوامع دیگر است. خانواده بعنوان یک سلول اجتماعی نمیتواند بری از این مشکلات باشد. بقول نویسندگان سوندی کتاب [کودکان در شهر] مسئله تعلیم و تربیت کودک اساسا یک مسئله طبقاتی و اجتماعی است تا یک مسئله فردی و خانوادگی. حل مسئله کودکان ارتباط مستقیم با وجود آموزش لازم. امکانات بهداشتی، آموزشی و از همه مهمتر تأمین زندگی انسانها. که این مسئله بر کسی پوشیده نیست مسئولین اجتماعی که امکانات جامعه را در اختیار دارند باید این مسئله را در صدر برنامه های اجتماعی و رفاهی خود قرار دهند.

البته در جوامعی که دولت حاضر به دادن این امکانات نیست باید روشنفکران و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب این مسئولیت را بر عهده بگیرند. با سازماندهی و با بالا بردن آشنایی انسانها به حقوق خود از دولت و سیستم اجتماعی بخواهند که به خواستههای انسانی انسانها جواب دهند. هم اکنون از

فیل وجود انسانها و تشکلهای آزادیخواه و با سازماندادن اعتراضات و دفاع از حقوق انسانها توانسته اند دولت را به عقب بنشانند. مثلا به جشن آدم برفها، برگزاری روز جهانی کودک، برگزاری جشنها اول مه برای دفاع از حقوق کودکان در بازار کار و یا دفاع از حقوق کارگران. نشانهایی است از وجود یک اعتراض عظیم اجتماعی در دفاع از حرمت انسانها و سازمان دادن افکار عمومی علیه بیحقوقی در جامعه است. همه و همه اینها نشان میدهد که همین امروز همین الان باید یک کمپانی و اعتراض سراسری علیه آزار و شکنجه کودکان براه انداخت. در همان حال باید کرد سعی با ترجمه اسناد بین المللی و کنوانسیونهای جهانی افکار عمومی را بالا برد.

اسماعیل مولودی

فعال سازمان نجات کودک  
در سوند محقق و مددکار  
اجتماعی در امور خانواده  
و کودکان

ادامه صفحه ۱

جلو مدارس مذهبی  
گرفته شود...

اما مذهب یک امر شخصی است و مدرسه می باید محلی برای آموختن برای همه دانش آموزان باشد، او همچنین اعلام می دارد که وزارت آموزش و پرورش وظیفه دارد که کنترل سخت تری در این امر نماید. همچنین میت فیلکنر Mette Fjelkner رئیس اتحادیه ملی معلمان

مخالفت خود را در مورد مدارس خصوصی مذهبی اعلام می کند. او به اهمیت اینکه به حق کودکان می باید ارجحیت داد و نه به خواست والدین آنها، اشاره می کند و میگوید "هیچ پدر و مادری اجازه ندارد که کودک خود را مجبور کند که در مدارس مذهبی آموزش ببیند. جامعه وظیفه دارد که جلوی آموزش غیر علمی در مدارس را بگیرد و سیستمی که برطبق سکولاریسم مدرن باشد ایجاد نماید. کشور سوند موظف است که بیانه اروپا را که به والدین اجازه می دهد که کودکانشان را به مدارس مذهبی بفرستند رعایت کند. اما این آیین بر خلاف بیانه کودکان می باشد که حامی مستقل فکر کردن و آزادی انتخاب مذهب برای کودکان است. جامعه موظف است که از حقوق کودکان دفاع و حمایت کند چرا که یک کودک نمی تواند و نباید در موارد مسائل اساسی مانند انتخاب مدارس و مذهب تصمیم بگیرد. اتحادیه ملی معلمان خواستار اشتغال آموزگاران شایسته و لایق که می توانند به دانش آموزان دانش در زمینه های مختلف و بر اساس علم و بدون دخالت و تأثیر سیاسی و مذهبی بیاموزند، می باشد. سیستمی که در حال حاضر در مدارس خصوصی مذهبی رایج دارد نه تنها برای حقوق کودکان ارزشی قائل نیست بلکه باعث جداسازی و تفرقه گروههای مختلف می شود و جلوی همبستگی بین فرهنگهای متفاوت را می گیرد. این امر که مدارس جانی است برای همه فرهنگها، گروهها، مذبهها و محلی برای آموختن دانش و علم می باید در مرکز کار همه مدارس قرار بگیرد". به نظر میت فیلکنر نمی توان در حال حاضر مدارس مذهبی را ممنوع ساخت اما او معتقد است که دولت حاکم می باید ارزیابی جدیدی از ارزشهای پایه ای

در مدارس سوندی انجام دهد. کوتا آمدن دولت سوند در قبال گروههای مذهبی و از جمله جریانات اسلامی به امثال اتحادیه مسلمانان سوند اجازه میدهد آنچه آن پرتوقع گردند که خواهان اجرای شریعه در سوند و سیستم آموزشی مذهبی گردند و این خطری است که باید کل جامعه در قبال آن ایستادگی کند و گر نه حتی حکومتهای از نوع سوند هم دخالت مذهب در جامعه و کنترل کودکان و جوانان را بی ضرر نمی بینند و همانطور که ملاحظه میکنید حتی آنجایی که با خواستههای گروههای اسلامی مخالفت میکنند همچنان از رعایت بیانه اروپا که به والدین اجازه میدهد کودکانشان را به مدارس مذهبی بفرستند صحبت میکنند و یا این که اساسا ممنوعیت مدارس مذهبی در دستورشان نیست.

اما بحث های اخیر در روزنامه های مختلف سوندی نشانه هشجاری مردم در امر مذهب و مخالفت آنها با دخالت مذهب از جمله در مدارس می باشد. ولی نباید فراموش کرد که این هوشیاری نیازمند دخالت و اعتراض عمومی بر علیه هرگونه دست درازی مذهب در امور جامعه و بخصوص زندگی کودکان می باشد نباید اجازه داد در هیچ سطح در مقابل گروههای مذهبی کرنش صورت گیرد و به آنان امکان داده شود که این چنین قبیحانه خواهان امتیاز و اختیارات گردند.

منبع روزنامه  
Metro و DN

کودک ملک شخصی کسی نیست!



## اول ماه مه را باید به روز کیفر خواست علیه استثمار کودکان تبدیل کنیم!

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز همبستگی بین المللی کارگران در مبارزه برای يك دنیا آزاد و برابر است. در این روز دنیا شاهد مارش کارگران در خیابانها در اعتراض به فقر و ستم کشی، در اعتراض به محرومیتها و بیکاری و بی مسکنی، در اعتراض به شرایط اختناق و دیکتاتوری و عدم برخورداری از حق تشکل و اعتصاب است. این روز روز اتحاد کارگر در يك مبارزه واحد برای پایان دادن به همه مصایبی است که نظام ناعادلانه سرمایه داری برای بشریت آفریده است. این روز در عین حال روز فراخوان کارگر برای پایان دادن به شرایط غیر انسانی است که به کودکان در سطح جهان میرود.

بر طبق آمار سازمان ملل 246 میلیون کودک در دنیا کار می کنند و وحشتناکتر از این، 73 میلیون از این کودکان زیر ده سال سن دارند. یک میلیون از کودکان در معادن سرد و نم آلود و خفه کار می کنند. هر ساله 22 هزار کودک در حین کار در سراسر دنیا، جان خود را از دست می دهند. بکار کشیدن کودکان در کارخانه ها و کارگاهها در مقیاس میلیونی و تحمیل شرایطی که حتی کمر بزرگسالان را نیز خورد میکند، ننگ بزرگی است بر پیشانی سرمایه داری. و این وظیفه طبقه کارگر است که به این تجاوز و توحش پایان دهد. نجات کودکان از جهنمی که مشتی سودجو و بیرحم آفریده اند، امر طبقه کارگر است و روز جهانی کارگر میتواند و باید در عین حال روز کیفرخواست علیه پرپر شدن این موجودات کوچک گردد.

پایان دادن به استثمار کودکان يك امر فوری بشریت مترقی است. روز جهانی کارگر بعنوان سمبل اعتراض و عزم آن باید همچون اهرمی در خدمت پایان دادن به این رنج جانکاه کودکان بدل گردد. برخورداری از يك زندگی شاد، ایمن و خلاق حق کودکان است و طبقه کارگر در این میان بیشترین وظیفه را در جهت تحقق آنها بعهده دارد. ممنوعیت کار حرفه ای کودکان زیر ۱۶ سال خواستی است که باید در همه تظاهراتهای اول ماه مه چون شعار اساسی بر پرچمها حک شود. این هم وظیفه انسانی طبقه کارگر است و هم نشان از پیشتاز بودن او در امر رهایی کل جامعه است.

زنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر  
نابود بود کار حرفه ای کودکان

کودکان مقدمند  
۲۷ آوریل ۲۰۰۶

# ممنوعیت فوری حجاب برای کودکان